

# مرد تشکیلات

ویژه نامه «#مرد\_تشکیلات»  
ضمیمه شماره ۳۶ نشریه روضه

سخنرانی منتشر نشده امام خامنه‌ای  
در جمع انجمن های اسلامی اهواز

## «چهار هنر تشکیلات»

ضرورت اتحاد و همبستگی تشکل ها  
اعتصام به حبیل الله مشروط به جمع بودن است  
نعمت وحدت را قدر بدانید

با آثار و گفتارهایی از:  
آیت الله مجتبی تهران  
آیت الله بهشتی  
استاد پناهیان  
و...

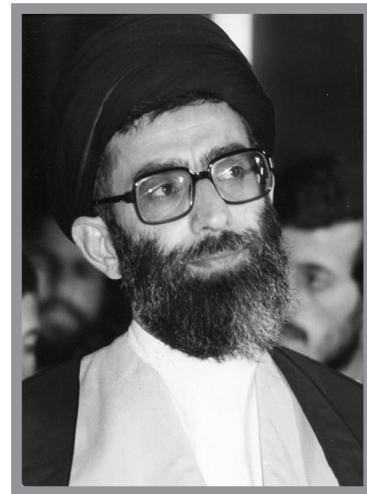




## چهار هنر تشکیلات



امام خامنه‌ای



در ادامه گزیده‌ای از متن سخنرانی آیت الله العظمی امام خامنه‌ای در جمع انجمن‌های اسلامی شهر اهواز را خواهید خواند؛ این سخنرانی در دانشگاه جندی شاپور اهواز در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ با موضوع «وحدت و تجزب» ایراد گردیده که سالهای قبل متن کامل آن در قالب کتابچه «گفتاری در وحدت و تجزب» در ۴۰ صفحه با زیرتیتر «نشریه شماره ۱ حزب جمهوری اسلامی» منتشر شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

یک نکته ضروری و توجه کردنی را به شما عزیزان تذکر دهم و آن اینکه در همه کارها برنامه ریزی و آمادگی قبلی نیمی از مساله است و من احساس می‌کنم که برادران و خواهران امروز خیلی با آمادگی قبلی کار را شروع نکرده‌اند و برنامه ریزی صورت نگرفته است ولی بهر حال صحبت کوتاهی را من در اینجا مطرح می‌کنم که می‌تواند بخشی از برنامه باشد همانطوری که به ما گفته شده و شما هم یقیناً می‌دانید جلسه امروز عصر قرار بود فقط از انجمن‌های اسلامی شهر اهواز تشکیل شده باشد خود این کلمه قدری سؤال انگیز است انجمن‌های اسلامی و گروههای مسلمان مگر چند گروه مسلمان داریم؟ و اینها بر اساس چه معیارهایی چند تا شده‌اند؟ و در زمان پیغمبر در آغاز طلوع اسلام مسلمانان چند گروه بودند؟ و چرا ضابطه‌ها و ملاکهای مسلم و اصیل نتواند این چندها را به یک تبدیل بکند؟

### ضرورت اتحاد و همبستگی تشکل‌ها

این یک مساله‌ای است که در هر حال برای ما قابل بحث و مذاکره است این مطلب را بشما بگویم: حسن بزرگ و ویژگی بسیار مهمی که جنبش اسلامی ما داشت این بود که دیوارها و فاصله‌ها از میان گروهها برداشته شد یعنی امام و رهبر این ملت این هنر بزرگ را کرد و داشت که توانست همه این دیوارهایی را که منطقه زیست ذهنی و سیاسی ما را به ۴ مناطق کوچک کوچک تقسیم کرده بود از میان بردارد یک صحنه وسیعی یک پهنه گسترده‌ای بوجود بیاورد حالا ما آمده ایم این پهنه وسیع را از نو داریم تقسیم بندی و دیوارکشی می‌کنیم اینکار چه فایده‌ای دارد؟ و چه ضرورتی هست که ما یک فضای وسیع را که هم از نور برخوردار است و هم از گرمای مطبوع و هم از نسیم حیاتبخش تقسیم کنیم به حفره‌ها و خانه‌ها و منطقه‌های کوچک کوچک و محدود که نه روشنایی دارد و نه گرما و نه نسیم فرح افزا ما ضابطه‌ای برای وحدت و ضابطه‌ای برای جدایی داریم این ضابطه‌ها را پیدا کنیم و با برادران متحد بشویم.

### اعتصام به حبل الله مشروط به جمع بودن است

قرآن به ما درس می‌دهد و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا یعنی خود را نگهداشتن در یک جاده لغزنده باریک حرکت می‌کنید در کوهنوردیها لابد دیده‌اید از یک جاده کوهستانی دشواری بالا می‌روید جایی هست که بدون دست نمی‌شود بالا رفت دستگیره‌ای پیدا می‌کنید و خودتان را می‌کشید بالا دستگیره‌ای پیدا می‌کنید و خودتان را از افتادن و لغزیدن و با مغز به زمین خوردن مصون و محفوظ نگه می‌دارید این اعتصام است قرآن می‌گوید به ریسمان خدایی معتصم بشوید بوسیله الله خودتان را نگهدارید که نلغزید که با مغز به زمین نخورید که منحرف نشوید که بتوانید خودتان را بالا بکشید اعتصام خود را نگهداشتن بوسیله الله است.

اما این همه‌ی مفهوم آیه نیست آیه نمی‌گوید بروید تک تک به ریسمان خدایی چنگ بزنید و خودتان را نگهدارید می‌گوید: و اعتصموا بحبل الله جمیعاً همه با هم این عنصر همه با هم بودن چیز مهمی است اگر ما تک تک به ریسمان الهی به دستاویز الله معتصم بشویم فایده‌ی مطلوب بدست نخواهد آمد باید با هم معتصم بشویم اگر با هم بودیم درست است تکیه در این آیه بر روی اعتصام بحبل الله نیست تکیه بر روی جمیعاً است اعتصام بحبل الله در عرف قرآن دارای مفهوم آشکار و واضحی است معلوم است که همه باید به ریسمان الله چنگ بزنند این آیه ایتر نمی‌خواهد بگوید می‌خواهد بگوید که همه با هم چنگ بزنید روی جمیعاً تکیه دارد دلیل جمله بعد است: ولاتفرقوا جدا نشوید و باز به دنبالش: واذکروا نعمه الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم نعمت خدا را بیاد بیاورید آنگاه که با یکدیگر دشمن بودید و خدا شما را با هم آشنا کرد دل‌های شما را بهم پیوند داد فالف و واقعا همینطور است.

### نعمت وحدت را قدر بدانید

ما تحت تاثیر فرهنگ رژیم خود کامه شاهنشاهی هر کدامان یک شاه بودیم و همه از هم جدا و هر کدام پيله بدور خود تنیده و هر کدام در پيله خود خفته و در حال مرگ و احتضار دلهاي ما با هم نزدیک شد لباسها فرمها شغلها رنگها زبانها این دیوارهای گوناگون از وسط برداشته شد و همه با هم آشنا شدیم خواهر و برادرها در کنار هم گام برداشتند .

سخن واحدی را شنیدند در راه واحدی حرکت کردند این یک نعمت بزرگ است یک چیز وصف ناپذیر است این را نگه دارید و قدر بدانید حالا شما حق دارید از بنده بپرسید که خوب شما که اینقدر دم از وحدت می زنید چرا حزب جمهوری اسلامی را درست کردید ؟ آیا تشکیل حزب بمعنای انتخاب کردن یک عده از مردم و دیگران را کنار گذاردن کسانی را زیر یک نام گردآوردن و کسان دیگری را بیگانه شمردن نیست ؟ بنده شما حق می دهم که این سؤال را بکنید شما هم بمن حق بدهید که باین سؤال پاسخ بدهم یک توده انبوه از نیروی فعال بدون تشکل و سازماندهی سیاسی امکان ندارد بتواند کارش را انجام بدهد نقیصه بزرگ مبارزه ما تا قبل از پیروزی همین بود رهبری قاطع و پیامبرانه امام بود که توانست مردم را در یک خط حرکت بدهد و مشخص بودن دشمن و همیشه وضع چنین نیست همین امروز دشمن برای همه مشخص نیست ممکن است برای جمع ما مشخص باشد برای خیلی ها مشخص نیست آیا غیر از این است ؟

آن چیزی که : می تواند همه نیروها را در یک جهت حرکت بدهد و نیز می تواند نیروهای خفته و مرده را زنده کند و به نشاط بیاورد و نیروهای بالقوه را بالفعل کند توی این کوچه و بازار توی این خانه ها حتی توی این دانشگاهها حتی توی این مدارس دینی خیلی نیروهای بالقوه خوابیده بود اینها باید بالفعل بشوند یعنی به صحنه کشانده بشوند و نیز می تواند نیروهای کم کار و راکد را شتابنده کند و فعالیت بدهد و بالاخره می تواند از انحراف نیروها جلوگیری کند چیزی که این چهار خاصیت و این چهار هنر را دارد چیست ؟ یک سازمان و یک تشکل سیاسی یکبار دیگر این چهار خصوصیت را تکرار می کنم : سازمان سیاسی اولاً : می تواند نیروها را در یک جهت بسیج کند و به همه آنها جهت بدهد ثانیاً می تواند نیروهای بالقوه را نیروهای خفته را بالفعل کند زنده کند فعال کند ثالثاً می تواند نیروهای کند و بطيء را شتابنده کند و رابعاً و بالاخره می تواند نیروها را از تغییر مسیر دادن و منحرف شدن حفظ و مصون کند این چهار خاصیت از آن یک تشکل سیاسی با یک فرماندهی و تمرکز رهبری و هدایت جمعی است و حزب یعنی این ...

### ضرورت سازماندهی نیروها و جهت دادن به آنها

نمی شد بنشینیم تا دیگران روزی اقدام بکنند در آن صورت اشکال بر ما هم وارد می بود لذا وارد عمل شدیم و بعد هم دیگران پیوستند گروه های مترقی دانشجویان دانشگاهیان معلمین کارگران پیشه وران دعوت ما را اجابت کردند از خواهران کارآمد کاردان بتعداد زیادی پیوستند الان در داخل دفتر مرکزی و شعبه های حزب خواهران ما نقشهای اساسی و فعالی را دارند و این تشکیلات مفصل و معظم روز زن عمدتاً بوسیله خود خواهرها انجام گرفت و این تشکیلات وسیع را خودشان راه انداختند این کارآیی می خواهد کار کوچکی نبود بالاخره یک واحد سیاسی یک سازمان سیاسی ایدئولوژیک و در صورت لازم نظامی ضرورت و اجتناب ناپذیر است این را صریحاً بشما می گویم که عمل نظامی هم در صورت تشخیص ضرورت در برنامه های ما هست امروز روزی نیست که ما بنشینیم تا بیایند صاف صاف ما را فرو بدهند امروز اگر دشمن بخواهد اقدام نظامی بکند یا شیوه های خیانت و توطئه را تعقیب نماید بسیج نظامی یک ضرورت خواهد بود و ما

برای اینکار آماده ایم.

به هر حال ما فعلاً دست اندر کار توسعه و هرچه فعال تر کردن این سازمان سیاسی هستیم یعنی حزب جمهوری اسلامی پس بطور خلاصه ضرورتی که ما را به ایجاد این حزب و این تشکل سیاسی فراخواند احساس نیاز شدید به سازماندهی نیروها و جهت دادن آن و شتاب دادن به نیروهای کند و کم کار و به صحنه کشانیدن نیروهای خفته و جلوگیری از انحراف ها بود و این تکلیف بزرگی بود که بهر حال باید روزی بوسیله جمعی همفکر و همگام تامین می شد ما لحظه ای مناسب تر و نیازمندتر از نخستین روزهای پیروزی نیافتیم و با زمینه ذهنی چندین ساله و بدنبال تلاش عملی یکی دو ساله به آن اقدام ورزیدیم و راه همکاری را هم برای همه همفکران و همگامان و مدعیان و علاقمندان بازگذاریم در اینجا نکته هائی است که ما مکرر به برادرها و خواهرها گفته ایم اکنون در جمع شما هم می گویم و شما هم از قول من می توانید به همه بگوئید : ما این خود خواهی را نداریم که بگوئیم : تمام کانونها و تمام انجمنها و تمام احزاب باید بیایند در حزب ما حل و ادغام بشوند البته این برای ما ایده آل است زیرا که این خط و این راهی که ما انتخاب کرده ایم از نظر ما بهترین است و اگر ما بهترین را غیر از این می دانستیم آنرا انتخاب می کردیم این راه ماست و این خط ماست اما اگر کسی یا گروهی با وجود اشتراک در اصول در پاره ای از مسائل با ما اختلاف سلیقه داشته باشد و ترجیح دهد که کانونش انجمنش اتحادیه اش سازمانش را جدا نگاه بدارد ما به او نمی گوئیم که حتماً بیاید به ما بپیوندد و نمی گوئیم که ما به شما کمک و با شما همکاری نخواهیم کرد بعکس همه کمک و همکاری خود را در صورتیکه آن واحد بخواهد میزول خواهیم داشت آنچه مهم است اینست که ما سعی می کنیم این واحدها را که بهر حال بوجود آمده به یکدیگر نزدیک بکنیم و از موارد افتراق آنها بکاهیم.

### کلمه التوحید و توحید الکلمه

آیه ای از قرآن تکلیف ما را با گروههای دیگر معین کرده است این آیه بما می گوید : با کسانی که بر سر ایمان و ایدئولوژی با شما جنگیده اند برای شما دسیسه چیده اند با دشمنان شما همدست شده اند هرگز ولایت و پیوستگی ایجاد نکنیم با آنها هم پیمان و همدست نشویم این ملاک است این معیار را این ضابطه را در نظر داشته باشید بوسیله این ضابطه گروهها و جمعیتهای روی خط اسلام یا جدا از خط اسلام را بشناسید با کسی تعارف نداریم آن جمعیتی آن گروهی آن جمعی و آن فردی بر روی خط اسلام است که ضابطه اش برای برادری این باشد برادری یعنی چیزی بر مبنای ایمان و جدایی یعنی چیزی باز بر مبنای ایمان مسئله اینست ما معتقد نیستیم که قشرهای اجتماعی باید از هم جدا بشوند ما معتقد نیستیم که فقط بر روی یک قشر واحدی باید تکیه بشود بنابراین توصیه من به برادرها و خواهرها و خواهشیم از همه اینست : که سعی کنید نقاط مشترکتان را زیاد کنید بهم نزدیک بشوید فعالیتهایتان را در خط واحدی قرار بدهید و سعی کنید که بطرف وحدت بروید مرحوم سید شرف الدین جمله ی جاویدانی دارد که باید از آن درس گرفت می گوید : بنی الاسلام علی دعامتین : کلمه التوحید و توحید الکلمه یعنی اسلام بر روی دو پایه استوار است یکی کلمه توحید لاله الا الله و یکی توحید کلمه حرفها را یکی کردن مواضع را بهم نزدیک کردن و این خلاصه حرفی است که من می خواستم بزنم.



آیه می گوید بروید تک تک به ریسمان  
خدایی چنگ بزنید و خودتان را نگهدارید  
می گوید : واعتصموا بحبل الله جمیعاً  
همه با هم این عنصر همه با هم بودن  
چیز مهمی است اگر ما تک تک به ریسمان  
الهی به دستاویز الله معتصم بشویم فایده  
ی مطلوب بدست نخواهد آمد باید با هم  
معتصم بشویم اگر با هم بودیم درست  
است تکیه در این آیه بر روی اعتصام بحبل  
الله نیست تکیه بر روی جمیعاً است

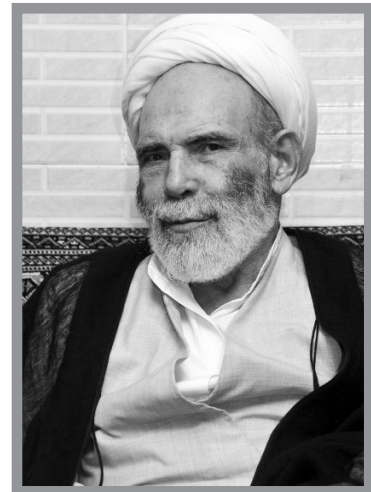




## نقش تعاون و همیاری در فعالیت‌های تشکیلاتی



آیت الله مجتبی‌ی تهرانی (ره)



متن زیر گزیده‌ای از مجموعه کتاب سلوک عاشورایی برگرفته از بیانات مرحوم آیت الله مجتبی‌ی تهرانی می‌باشد. در دفتر دوم این سلسله کتاب‌ها به موضوع تعاون پرداخته شده که بخشی از متن این کتاب را در ادامه می‌خوانید:

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم، و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدون و اتقوا الله إنّ الله شدید العقاب. [۱]

### نیاز انسان به تعاون

#### خودکفا نبودن انسان در دو بُعد مادی و معنوی

پیش از آنکه وارد بحث شوم برای روشن شدن مصب بحث این را عرض می‌کنم که انسان دارای دو بُعد است: یک بُعد مادی و یک بُعد معنوی؛ در این مسأله هیچ شبهه‌ای نیست. انسان در بُعد مادی‌اش این طور است که به تنهایی نمی‌تواند امور معیشتی‌اش را اداره کند و به تعبیر ساده احتیاج به همکاری دیگران دارد. [۲] در بُعد معنوی هم این بحث مطرح است. یعنی انسان در سیر معنوی‌اش نیز احتیاج به دستگیری و همکاری دارد و به تنهایی نمی‌تواند خودش را اداره کند. به تعبیر دیگر، انسان چه در بُعد مادی‌اش و چه در بُعد معنوی‌اش خودکفا نیست.

خوب، چون انسان خودکفا نیست و نمی‌تواند خودش را به تنهایی اداره کند احتیاج به «اعانه» دارد؛ هم در زندگی مادی‌اش احتیاج به کمک دیگری دارد و هم در بُعد معنوی‌اش نیازمند دیگری است و مسأله اعانه و تعاون اینجا مطرح می‌شود. [۳]

### آیا هر تعاونی پسندیده است؟

در اینجا باید دید که آیا از دیدگاه مکتب الهی هر تعاونی و هر اعانه و کمک و مساعدتی چه در بُعد مادی و معیشتی و زندگی دنیایی‌اش و چه در بُعد معنوی‌اش امضاء شده و پسندیده است یا خیر؛ مثلاً فرض کنید که کسی وضع زندگی مادی‌اش لنگ است و ما می‌خواهیم به او کمک کنیم؛ آیا جایز است که نعوذ بالله برویم سرقت کنیم و به او بدهیم؟ مانند کسی که نان‌ها را می‌دزدید و به فقرا می‌داد و وقتی امام صادق (ع) به او اشکال کردند، گفت معلوم می‌شود که شما آیات قرآن سرتان نمی‌شود.

نعوذ بالله - چون قرآن گفته است «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها» [۴] من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها»؛ من یک دزدی کردم و یک حسنه انجام دادم. پس یک پاداش از ده پاداش از بین می‌رود و نه پاداش دیگر باقی می‌ماند. معلوم می‌شود که شما چهار عمل اصلی هم سرتان نمی‌شود. -نعوذ بالله- یعنی اگر کسی یک عمل نیک انجام دهد به او ۱۰ پاداش می‌دهند اما «و من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها» [۲] من یک دزدی کردم و یک حسنه انجام دادم پس یک پاداش از ده پاداش از بین می‌رود و نه پاداش دیگر باقی می‌ماند! البته حضرت جواب این مغالطه را به او دادند و فرمودند خدا حسنات را فقط از متقین قبول می‌فرماید (۳)

پس این سؤال مطرح می‌شود که آیا از دیدگاه مکتب الهی، تعاون به هر شکل که باشد پسندیده است یا خیر؟ آنچه در آیه تعاون هدف‌گیری شده این است که تعاون به هر شکلی پسندیده نیست و قانون‌مندی دارد. [۵]

### \* تعاون؛ اصل اساسی سنت اسلامی

#### نسخ ناپذیری احکام سوره مائده

سوره مائده آخرین سوره از سوره مفضلات است که قبل از وفات پیغمبر اکرم نازل شد. (۳) در این جلسه هم دو روایت می‌خوانم تا وارد بحث شوم؛ یک روایت از پیغمبر و یک روایت از حضرت علی علیه السلام.

در خطبه حجّة الوداع که در ماه ذی‌الحجه بوده و پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بعد از آن وفات کرده است حضرت می‌فرمایند: «أيتها الناس إنّ سورة المائدة من آخر القرآن نزولاً» سوره مائده آخرین سوره از قرآن است که نازل شده است؛ «فأحلوا حلالها و حرّموا حرامها» [۸] یعنی این را بدانید که حکم‌هایی که در این سوره است از حلال و حرام، [۹] الی یوم القیامه به هیچ وجه قابل تغییر نیست.

### قانونمندی تعاون در اسلام

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که این آیه شریفه که در ابتدای سوره مائده است، یک اصل اساسی سنت اسلامی در روابط اجتماعی را مطرح می‌کند. چون گفتیم که انسان در دو بُعد مادی و معنوی‌اش محتاج به غیر است و همان‌طور که



می گوید «و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان». اگر تعاون به معنای اول یعنی اشتراک در فعل واحد باشد، معنای آیه این می شود که همه مؤمنین باید جمع شوند و یک کار را انجام دهند. مثلاً سنگی که روی زمین افتاده، همه باید بیایند و هر کس باید انگشتش را زیر آن بگذارد! در حالی که اصلاً این طور نیست و گفتن این حرف به دلیل بی توجهی است.

ظهور عرفی آیه این است که هر مؤمنی کمک کار دیگری در عمل خیر و تقوا باشد. تو برای او تهیه اسباب کن چون به تنهایی نمی توانی و او هم برای تو مقدمات را فراهم کند. یعنی هر کدام از شما کار خود را می کنید اما از نظر مقدمات چون به تنهایی نمی توانید کار را پیش ببرید، دیگری به شما کمک می کند چه از نظر معیشتی و چه معنوی. پس آنچه مورد نظر آیه است بحث کمک و اعانه است. بله، درست است که بین هیأتها و ابواب مختلف فرق است؛ اما هیچ وقت نباید ریشه لغت را کنار بگذارید و بروید سراغ هیأت. در اینجا اصلاً خود ریشه «عون» معنایش مساعدت است. البته این اعانه و کمک در اسلام قانون مند است. همه نیاز به کمک دارند اما این کمک کردن مطلق نیست.

#### شواهدی از روایات

حالا چند روایت بخوانم. یک روایت مفضل است در بحار در باب مسأله قضاء حاجت مؤمن از امام صادق (ع): «و الله فی عون المؤمن ما کان المؤمن فی عون أخیه...» [۱] (صلى الله عليه و آله و سلم) است؛ قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): «خير إخوانك من أعانك على طاعة الله و صدك عن معاصيه و أمرک برضاه» [۲] بهترین برادران کسی است که به تو کمک کند در طاعت خدا؛ آیا این یعنی دو نفری یک نماز بخوانید؟! یا دو نفری یک روزه بگیرید؟! این معنای تعاون نیست. چه اعانه و چه تعاون، هر دو، یک معنا بیشتر ندارند و آن همان است که عرض کردم. قدر مسلم و آنچه قدر متیقن است، کمک کردن است. یعنی او اصالت دارد و تو او را کمک می کنی. در استعمالات عرفی ما هم همین طور است که گفتیم.

روایت دیگر از علی (ع) است؛ «خير الإخوان من أعان على المكارم» و یا «خير الإخوان المُساعد على أعمال الآخرة» [۳] روایات بسیاری داریم. پس این مسأله در آیه مطرح است و این از احکام مسلمه و از اصول اساسی در اسلام و از مسائل اساسی در روابط اجتماعی است که آیه تعاون چگونگی آن را بیان می کند و هم جنبه اثباتی و هم جنبه نفی اش را می گوید.

#### پی نوشتها:

- [۱]- سوره مائده، آیه ۲
- [۲]- یک تعبیر ساده کردم و نمی خواهم بروم در قالب اصطلاحات و اینکه انسان مدنی بالطبع است و کذا...
- [۳]- بعداً عرض می کنم که آیا بین اعانه و تعاون فرق هست یا خیر
- [۴]- من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئه فلا يجزي إلا مثلها و هم لا يُظلمون؛ سوره انعام، آیه ۱۶۰
- [۵]- قانون مندی اصل تعاون در اسلام را در ادامه تبیین خواهیم کرد.
- [۶]- الميزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۳
- [۷]- بعضی گفته اند دو ماه قبل از وفات پیغمبر اکرم نازل شده است. آیه غدیر هم در این سوره آمده است؛ «اليوم أكملت لكم دينكم...»
- [۸]- بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۵۳
- [۹]- بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۷۱
- [۱۰]- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۷۰
- [۱۱]- بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۲۲
- [۱۲]- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۳
- [۱۳]- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۳

عرض کردم، جنبه عملی این بحث خیلی قوی است. یعنی این رابطه باید باشد؛ اما بحث اساسی، چگونگی این رابطه و چگونگی کمک کردن و کمک گیری از یکدیگر است. یعنی من که از نظر زندگی دنیوی ام به غیر محتاجم، این غیر چگونه می تواند با من همکاری داشته باشد؟ او که به من محتاج است، من چگونه با او همکاری داشته باشم؟ همچنین در سیر معنوی، کمک و مساعدت ما به یکدیگر چگونه باید باشد؟ چون گفتیم که تنها نمی توانیم و به کمک دیگری احتیاج داریم. پس به طور خلاصه، این یک اصل کلی و اساسی است در روابط اجتماعی در دو بُعد مادی و معنوی.

#### جنبه اثباتی و نفی در آیه تعاون

یکی از خصوصیات آیه تعاون این است که در آن هم جنبه اثباتی هست و هم جنبه نفی. مثلاً می روید پیش طبیب و او به شما می گوید فلان چیز را نخور، این بد است، آن بد است، این بد است... پس چه چیزی خوب است؟! یک دستور وقتی کامل است که در آن هم جنبه اثباتی و هم جنبه نفی هر دو باشد. انسان در دنیا زندگی اش و زنده بودنش بر محور اعانه است و اگر دستور اعانه خواهد کامل باشد باید روشن کند که چه چیزهایی را کمک کنم و چه چیزهایی را کمک نکنم.

کمک و مساعدت باید نقش سازندگی داشته باشد و نقش تخریبی نداشته باشد. لذا به این آیه که نگاه کنید می بینید که این دستور العمل الهی و این اصل اساسی کامل است و هم جنبه اثباتی را دارد و هم جنبه نفی را؛ «و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان» که ما هم اول جنبه اثباتی اش را عرض کرده و بعد جنبه نفی اش را مطرح می کنیم و درباره هر کلمه این آیه بحث می کنیم.

#### معنای تعاون

بحث اول این است که «تعاون» یعنی چه؟ تعاون به عنوان اولین کلمه است که اثبات و نفی در آیه روی آن آمده است. در باب تعاون دو تصویر می کنیم؟

#### تصویر اول تعاون

تصویر اول این است که تعاون به این معنا باشد که دو نفر با هم یک کار را انجام دهند. جنبه ادبی اش هم این است که هیأت تفاعل، اقتضای اثنبینی می کند. مثلاً یک سنگی ثقیل و سنگین است و او به تنهایی نمی تواند بلند کند و من هم نمی توانم به تنهایی بلند کنم، یک سرش را او بلند می کند و یک سرش را من و با هم بلند می کنیم. این بلند کردن سنگ از روی زمین، یک کار است؛ این یک کار را ما دو نفر با هم انجام دادیم. بعضی که دقت نظر کامل نداشته اند تعاون را این طور معنا کرده اند. یعنی به اصطلاح ادبی اش گفته اند «اشتراک در فعل واحد».

#### تصویر دوم تعاون

تصویر دوم اینکه کسی در کاری اصیل باشد و دیگری برای او شرایطی را مهیا کند. مثلاً کسی می خواهد آدم بکشد و چاقو را تو بدهی دستش؛ او آدم را کشته است ولی تو چاقو را به دست او داده ای و برای کار او تهیه مقدمات کرده ای. این را می گویند «اعانه»؛ او می خواهد برود سرقت کند، تو نردبان را به او دادی و او دزدی کرد ولی تو خودت نرفتی. تعاون کدام یک از این دو مورد است؟ اشتراک در فعل واحد یا اینکه یکی در کار اصیل است و دیگری کمک می کند؟

#### معنای صحیح تعاون

جواب: آنهایی که اهل دقت هستند اگر جستجو کنند می بینند که هم لغت و هم عرف معنای دوم را می گویند. مراجعه کنید به قاموس، منجد و... و ببینید که «عون» را به معنای کمک و مساعد می آورند. [۱۰] یعنی یکی در کار اصیل است و دیگری برای او شرایط و اسباب را مهیا می کند. آیه شریفه هم نظرش همین است و غیر از این نیست. چون صدر آیه خطاب به مؤمنین است. «یا أيها الذين آمنوا...» و بعد از چند مطلب



اگر تعاون به معنای اول یعنی اشتراک در فعل واحد باشد، معنای آیه این می شود که همه مؤمنین باید جمع شوند و یک کار را انجام دهند. مثلاً سنگی که روی زمین افتاده، همه باید بیایند و هر کس باید انگشتش را زیر آن بگذارد! در حالی که اصلاً این طور نیست و گفتن این حرف به دلیل بی توجهی است. ظهور عرفی آیه این است که هر مؤمنی کمک کار دیگری در عمل خیر و تقوا باشد. تو برای او تهیه اسباب کن چون به تنهایی نمی توانی و او هم برای تو مقدمات را فراهم کند. یعنی هر کدام از شما کار خود را می کنید اما از نظر مقدمات چون به تنهایی نمی توانید کار را پیش ببرید، دیگری به شما کمک می کند چه از نظر معیشتی و چه معنوی.





## ده فرمان تشکیلاتی شهید بهشتی



شهید مظلوم ایت الله بهشتی



گفته بود ما برای این که بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم، بی شک باید متشکل باشیم، رابطه های ایمانی، اعتقادی، علمی، و دینی سازمان نیافته برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می تواند کافی باشد؛ ولی برای رسیدن به بخشی دیگر از اهداف و تحقق بخشیدن به آن قسمت دیگر از آرمان های یک انقلاب کافی نیست... ما همچنان بر داشتن یک تشکل پافشاری داریم؛ اما شرط آن این است که :

۱- تشکل باید پاسدار ارزش ها باشد، نه پاسدار خود، نگهبان ارزش ها باشد، نه نگهبان خود.

۲- تشکل باید سازنده ما، آسان کننده ی خودسازی برای ما و کمکی به «سیرالی الله» برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد.

۳- شرط سوم، این که این تشکیلات به درد مردم بخورد، نه این که یک باری باشد بر دوش این جامعه، آن چه در ادامه می آید، ۱۰ توصیه ی اوست که حدود ۳۰ سال پیش در جمع انجمن های اسلامی سازمان بهزیستی بیان شده؛ اما انگار حرف هایی است که در امسال برای ما گفته است...

برادرها و خواهرهایی که بار سنگین مسئولیت ها را بر دوش دارید و چشم ها در انتظار نتایج تلاش های به هم پیوسته ی شماست، خوش آمدید! شماها در اقلیت هستید و دیگر نمی خواهیم تعارف بکنیم که اقلیت نیستیم. شما اقلیت مؤمن می خواهید چه کار کنید؟ نظر ماها این است که شما یک اقلیتی باشید که تکیه کنید بر:

**۱- ایمان هر چه قوی تر به آرمان تان و به کار تان؛** نگذارید این ایمان در شماها خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.

**۲- برنامه های عملی ای که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد؛** باید به گونه ای باشد که خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم سن و هم کلاسی و هم رتبه ی غیرمسلمانش در مقام عمل دینی صالح تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. «فاما الزید فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فی الارض» [کفر می رود و آن چه برای انسان سودمند است می ماند، رد آیه ۱۷] سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن هایتان باید طوری برنامه ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

**۳- ارتباط خود را قوی کنید؛** وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر شوند. وقتی که همه یک جا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می کنید.

**۴- جذب عناصر جدید؛** گاهی دافعه خیلی قوی است اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه تان زیاد باشد، باید کلامتان و رفتار تان چنان باشد که اطرافیان تان را یکی یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آنها. مبدا فکر کنید که اینهایی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است و درست شدنی نیستند. خیر، انسان تغییر می کند. خیلی ها آدم های خوبی هستند، می لغزند و بد می شوند. خیلی ها آدم های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می شوند. تعالیم اسلام یاد تان نرود. اسلام می گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

**۵- انضباط؛** هر کار دسته جمعی ای که انجام می دهید باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی. بچه مسلمان ها به انضباط مقدار کمی بها می دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم. اما نظم فرعونی نه؛ زیرا نظم گاهی فرعونی و طاغوتی است. نظم ما باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

**۶- شناسایی و کشف استعدادها؛** کشف عناصر مدیر و مفید که بتوانند پستهای کلیدی و موثر را با لیاقت اداره کنند. گاه ما یک فرد متدین و خوبی را می گذاریم بر رأس کاری ولی چون توانایی اش ضعیف است، اثر بدی می گذارد. شما باید مدیرهای مومن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.

**۷- معلومات تان را بپرید بالا با مطالعات اسلامی، مطالعات تان باید اسلامی باشد؛** فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه ی شرعی تان است که در هفته یک مقدار روی رشته خاص خودتان مطالعه ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

**۸- شیوه های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛** گاهی برادرها و خواهرها با جریانهای مختلف می خواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخورد آنها طوری است که در جامعه محکوم می شوند. شیوه های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه های برخورد بنشینید و تبادل نظر کنید.

**۹- انتقاد از خویشان؛** آیا هیچ وقت دور هم جمع می شوید بگویید این یک هفته نقابص و عیب کارم این بود. این کار را می کنید یا خیر؟ خوب، شروع کنید! هیچ اشکالی ندارد. «المؤمن مرأت المؤمن» یعنی چه؟ برادر و خواهر مسلمان باید آینه ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهای این است که عیب های آدم را می گوید، بنابراین هر هفته ای، دو هفته ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده رویی هر کسی اول عیب های خودش را بگوید بعد آنهایی که جا می ماند دیگران بگویند، بعد هم عیب جمعمان را بگوییم.

**۱۰- امید کامل به آینده؛** هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. آدمهایی که ایمان به خدا ندارند آنها می هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مایوس می شوند. انسانهای مومن همیشه باید امیدوار باشند. آنقدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می دهد که نه با یک غوره سردی تان بشود و نه با یک مویز گرمی تان.

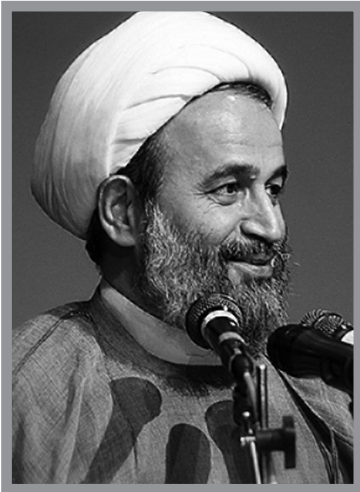




## چرا امام صادق (علیه السلام) قیام نکرد؟



استاد علیرضا پناهیان



### فاجعه ای که به لطف امام صادق رخ داد

مسئله اجتماعی امام صادق که همه شیعیان به آن تصریح می کردند این است که چرا شما قیام نمی کنید، در روایت هم بنا بوده قیام و ظهور رخ بدهد و قصه تمام شود. بداع حافظ شده و خدا تصمیمش را تغییر داده است به خاطر همین خوبان که سطح عالی نداشتند. فاجعه زمان امام صادق (ع) این است که خوبان سطح عالی نداشتند! اتفاقی که خودش را به صورت فاجعه نشان نداد چون حضرت صبر کردند.

### دو کار برای فراهم شدن زمان ظهور

ابومسلم خراسانی نامه نوشت حضرت فرمود «ما انت برجالی» نه زمانه، زمانه من است و نه تو آدم من هستی. این کلام حضرت نشان می دهد ما باید دو کار کنیم یکی اینکه خودمان از رجال حضرت باشیم یکی اینکه زمانه را تغییر دهیم زمانه حضرت کنیم. شما خودت هم از رجال حضرت بشوید زمانه را تغییر ندهید باید در خیمه خصوصی خدمت حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفدا برسید سر روی زانوی ایشان بگذارید و اشک بریزید و برگردید بیرون. زمانه باید زمانه حضرت شود باید زمان را تغییر داد.

هر کس هر شغلی دارد کاسب، طلبه و دانشجو، کاری نداریم در آن فضا آدم حضرت شوید و زمانه را زمانه حضرت قرار دهیم این دو کار را باید بکنیم تا حضرت قیام و ظهور کند.

محبوبیت اهل بیت (ع) در دوران امام صادق (ع) در شرایطی بود که اگر کسی به نام اهل بیت (ع) قیام می کرد، احتمال پیروزی بسیار بالایی داشت، اما چگونه است که امام صادق (ع) نه تنها خودش دست به قیام نمی زدند، بلکه با کسانی که به اسم اهل بیت (ع) شروع به قیام نموده اند هم همراهی نمی کنند؟ شاید به اجمال بتوان دو دلیل را در این مورد بررسی قرار داد. اول اینکه قدرت موقتی و ناپایدار، مطلوب امام صادق (ع) نبوده است. دلیل دیگر اینکه امام خواهان یارانی با سطح بسیار بالا در فهم دین و ارادت به اهل بیت (ع) بوده اند که به لحاظ کمی و کیفی چنین یارانی نداشته اند.

برای تدقیق این مسئله و پاسخ به سوالات اینچنینی با توجه به موضوع «#مرد\_تشکیلات» متن کامل سخنرانی استاد پناهیان در هیئت شهدای گمنام تهران که در ایام شهادت امام صادق (ع) سال ۹۳ ایراد گردیده را با هم مرور می کنیم:

این سخن مشهور امام صادق (ع) در پاسخ ابومسلم خراسانی خیلی حرفها برای گفتن دارد و خیلی این سخنها قابل تأمل است. ابومسلم خراسانی که گاهی به نامهای دیگر مشهور شده است کسی است که علیه بنی مروان قیام کرد و قیامش هم موفق شد. دیگرانی هم بودند از بنی العباس که در عراق فعال بودند ولی ابومسلم از خراسان فعالیت اش را شروع کرد. اینها در ابتدای قیام شان برای بنی العباس قیام نکردند بلکه برای رضای خدا و اهل بیت پیغمبر قیام کردند. همه کسانی که به این قیام متصل می شدند انتظار داشتند بعد از پیروزی یکی از علویها کار را در دست بگیرد، ولی اینها پنهانی با هم بستند و کار را برای بنی العباس قرار دادند.

### بنا بود عصر ظهور، عصر امام صادق باشد

داستانهای زیادی اینجا وجود دارد و اگر فرصت شود در این مباحث تاریخی به زمان امام صادق (ع) برسیم و ماجرای عجیب قیام نکردن امام صادق (ع) مطالب را گفت. اینکه مکرر پیش امام می آمدند که شما قیام کنید فقط روی حساب در کشان نبوده، روایت داریم که بنا بوده لُبْظَهْرَةُ عَلِي الدِّينِ كَلْبَه، در زمان امام صادق (ع) رخ دهد بعد از اینکه در خانه امام (ع) را به آتش زدند کار عقب افتاد و کار به غیبت صغری و بعد به غیبت کبری کشید. وگرنه اینکه می آمدند از امام صادق (ع) تقاضا می کنند بر اساس یک مبنایی بوده است می دیدند زمینه چقدر بالا است. در واقع بنی العباس رسماً بخاطر «مظلومیت اهل بیت» قدرت پیدا کردند.

### عدم قیام امام صادق؛ «موفقیت نبود»

می شود این جور تعبیر کرد اگر امام صادق (ع) قیام می کردند بی تردید موفق می شدند، تجربه تاریخی بنی العباس هم در آن مقطع نشان می دهد که هر کسی به نام اهل بیت موفق می شد، حالا خود اهل بیت قیام کنند موفق نمی شدند؟! اینکه امام (ع) قیام نکردند این موفقیت نبود بلکه به نظر بنده حقیر می رسد حضرت دنبال یک موفقیت پایدار نه موفقیت ناپایدار بودند وقتی تاریخ را نگاه می کنید نمی توانید این معنا را رد کنید که «اگر امام صادق (ع) قیام می کردند موفق می شدند» و موجی ایجاد می شد و حکومت را به دست می گرفتند بنی العباس در همان عصر هم عده و عده آن چنانی نداشتند، به همین دلیل وقتی جنبش و حرکت خود را آغاز کردند صریحاً اسم خودشان را مطرح نمی کردند.

### جریان پیشنهاد خلافت به طلحه و زبیر از طرف امیرالمومنین

رفتار امام صادق (ع) با پذیرش حکومت و قیام شبیه رفتار امام علی (ع) است. مردم اصرار می کردند اما امام علی استنکاف می ورزید. کار به جایی رسید حضرت علی؛ مردم را در خانه طلحه و زبیر آوردند و از طلحه و زبیر خواستند که خلافت را بپذیرند و فرمودند: «من با شما بیعت می کنم مردم را هم وادار می کنم با شما بیعت کنند» شما کار را به دست بگیرید. چرا حضرت این کار را کردند؟! برای اینکه نمی خواستند یک حاکمیت ناپایدار شکل دهند. البته نمی خواهم این را به عنوان یک قانون کلی مطرح کنم که ائمه هدی (ع) اگر دنبال حاکمیت باشند حتماً دنبال حاکمیت پایدار هستند. خیر. گاهی شرایطی پیش می آید که انسان برای حاکمیت ناپایدار هم قیام می کند. ممکن است چنین شرایطی پیش آید ولی طبع حاکمیت دینی اقتضاء می کند وقتی شما برای تحقق حاکمیت دینی برنامه ریزی می کنید برای نوع پایدار آن برنامه ریزی کنید، چون طبع حق این پایداری را می پسندد حق که موقتی روی کار نمی آید، حق می آید که برای همیشه آمده باشد کما اینکه در ظهور حضرت می بینید ایشان یک حکومت ابدی حق در جهان بشریت برقرار می کند.

### امام صادق علیه السلام موافق حکومت ناپایدار نبود

بر اساس چیزی که دیده می شود تمایل حضرت به این نبوده که بخواهند بصورت مقطعی مؤمنین را از حاکمیت برخوردار کنند. برای چه حضرت می خواستند حکومت ناپایدار تشکیل نشود؟

وقتی شرایط برای موفقیت پایدار مهیا نیست؛ اگر با موفقیت ناپایدار کنار بیایید؛ همان تعداد یاران خوبی هم که در اطرافتان هست را به کشتن می دهند. دلیل این سخن من واقعه با کربلا است. در کربلا خوبها دور اباعبدالله حسین (ع) جمع شدند و همگی به شهادت رسیدند در حالیکه ائمه هدی نمی خواستند این کار را بکنند.

وقتی یاران به امام حسن مجتبی (ع) -نوع عبدالله- به ایشان می گفتند «یا مذل المؤمنین»، «شما ما مؤمنین را دلیل کردید!» حضرت می فرمود من به نفع و برای بقای شما این کار را کردم، اگر من قیام کرده بودم همه شما نابود شده بودید.

### «شیعه تنوری» نمونه ای از آماده نبودن یاران امام صادق

اهل بیت عصمت و طهارت به ویژه امام صادق (ع) که در معرض به دست گرفتن حاکمیت دینی بودند آن را نپذیرفتند چون منجر به حاکمیت ناپایدار می شد. منجر می شد همین ریشههایی که در خاک هستند خشکیده شوند و به شهادت برسند. امام صادق (ع) صریحاً وقتی اطرافیان شان می آمدند از ایشان تقاضا می کردند که شما قیام کنید، مباحثی را به زبانهای مختلف مطرح می کردند. شیعه تنوری، دست در جیب هم بردند دو تا از نمونههایش است که انتظار و توقعشان را برای برقراری حاکمیت خیلی بالا می بردند، با شما که نمی شود جامعه را اداره کرد. اگر بخواهیم جامعه را اداره کنیم یارانی می خواهیم که شیعه تنوری باشند.



جهت مشاهده مطالب دیگر با موضوع «#مرد\_تشکیلات» و مشاهده متن کامل مطالب این ویژه نامه به مجله الکترونیکی پایگاه اطلاع رسانی [Rozenews.com](http://Rozenews.com) مراجعه نمائید.



# مؤمن جهادی



در ادامه گزیده ای از سخنرانی های ایراد شده در هیئت روضه الزهرا(س) با موضوع «جهاد و بایسته های آن» که مناسب با پرونده ویژه «#مرد\_تشکیلات» است را خواهید خواند.

جهاد «هر کوششی برای تقویت حق و تضعیف باطل» است. جهاد یعنی این که انسان برای دستیابی به بزرگترین آرمان اسلام، که همان اعتلای کلمه ی حق و از بین رفتن باطل است، سر از پا نشانسیم. در دعا می خوانیم که خدایا امام زمان عج را برسان برای این که کلمه ی حق را اعتلا ببخشد و باطل را از بین ببرد. حق یعنی کلمه «لا اله الا الله» که باید پرچمش برافراشته شود و این پرچم بالا نمی رود، تا شرط «لا اله الا الله» که یعنی ولایت امیرالمومنین علیه السلام محقق بشود، یعنی فرج، یعنی گشایش زیر «آنا من شروطها»؛ اگر نور امام بتابد، اگر ولایت امام حاکم بشود، کلمه حق اعتلا پیدا میکند. یعنی همه جامعه مظهر «لا اله الا الله» می شود.

آیا این ولایت فقط به صورت عمومی محقق می شود یا این امکان وجود دارد که نور ولایت در افراد نیز محقق بشود؟ یعنی ظهور امام زمان عج فقط یک ظهور عمومی است یا یک ظهور شخصی هم در وجود ما می تواند پیدا کند؟ آیا امام زمان می تواند «ولی» من نوعی بشود؟ آیا امروز که زمینه ی ظهور این امام مظلوم در دنیا فراهم نشده، می تواند در من نوعی ظهور کند؟ باید گفت بله، درست است که امام زمان فعلا حاکم جامعه نیست، اما بالاخره افرادی هستند در این دنیا که امام زمان حقیقتا «ولی» آنهاست.

## جهاد؛ رمز ظهور

باید تلاش کنیم که ولایت امام بر ما حاکم بشود. اگر امام ولایت پیدا کند، چه اتفاقی می افتد؟ کلمه ی حق حاکم می شود، یعنی وجودمان سرشار از «لا اله الا الله» می شود. به خاطر همین می گویند یکی از راه های رسیدن به مقام ولایت، این است که شبها سر به سجده بگذارید و بگویید «لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من الظالمین». این یعنی خدایا حقیقتا، غیر از تو الهی نیست، ولی من ظالمم، چون غیر از تو هزار «اله» دیگر دارم.

اگر انسان تلاش و کوشش کند که به سمت تقویت حق و تضعیف باطل برود، ولایت بر او حاکم می شود. اما ولایت چه زمانی ظهور می کند؟ وقتی که جهادی بشویم. زمانی که برای تقویت حق و تضعیف باطل کوشش کنیم. به هر میزان که این کوشش بیشتر شود، به همان میزان «ولی حق» تسلط اش بیشتر می شود.

## عواقب ترک جهاد

باید درک کنیم، در دورانی هستیم که ظلم و فساد بیداد می کند. در این دوران اگر کسی روحیه ی جهادی نداشته باشد، در فساد هضم می شود. در ظلم هضم می شود. آن وقت اگر عذاب الهی نازل بشود هم «بدها» را شامل می شود و هم «خوبها» بی که امر به معروف و نهی از منکر نکردند. عذاب و فتنه های آخرالزمان، دامن گیر همه می شود الا کسانی که در این دوران برای تقویت جبهه ی حق «تلاش خالصانه» داشتند.

## ایمان بدون عمل صالح

رسول خدا می فرماید: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِزْ وَ لَمْ یُحَدِّثْ نَفْسَهُ یَعْرِزْ وَ مَاتَ عَلَی شُعْبَةٍ مِنَ النَّفَاقِ هر کس بمیرد و در راه خدا جهاد نکند و در اندیشه ی جهاد هم نباشد، با نوعی نفاق مرده است. معنا ندارد که مومن تنها و گوشه گیر باشد. مومن باید برگردد که کجا جبهه ی حق هست، به سربازی آن جبهه درآید. مومنی که جهاد نمی کند، مومنی که کاری به جبهه ی حق ندارد و فقط انتقاد می کند، مومن نیست، ایمانی که در آن عمل صالح نیست، قابل قبول نیست. در سوره ی عصر بعد از «امنوا» می گوید: «عملوا الصالحات» و بعد از آن هم باز می فرماید: «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» این تواصی به حق و تواصی به صبر اشاره به بُعد اجتماعی عمل صالح است. خداوند با این تواصی به حق و تواصی به صبر، دفع آفت کرده است. اگر خداوند می فرمود «بسم الله الرحمن الرحیم، والعصر، ان الانسان لفی خسر، الا الذین امنوا و عملوا الصالحات»

چه اتفاقی می افتاد؟ چه بسا برخی از مومنین در گوشه های فقط به عبادت و عمل صالح شخصی مشغول می شدند و از اطلاق آیه سوء استفاده می کردند و می گفتند: ما وظیفه داریم گلیم خود را از آب بکشیم. اما این قید «تواصی به حق و صبر» می خواهد تذکر بدهد که منظور از «عمل صالح» فقط «عمل صالح فردی» نیست، بلکه عمل صالح اجتماعی است که این عمل صالح اجتماعی در مدلی به نام «تواصی به حق و تواصی به صبر» تعریف می شود. تواصی به حق یعنی تلاش برای برپایی حق. تواصی یک فعل دو طرفه است، یک نفره نیست. باید مومنین دست به دست همدیگر بدهند تا حق پایدار بشود و یک اقدام جمعی و هماهنگ صورت دهند.

## مفهوم تواصی به صبر

اما مفهوم تواصی به صبر، این است که اگر در اثر تلاش شما حق پایدار نشد و شکست خوردید، همدیگر را به صبر سفارش کنید. اگر در انتخابات شکست خوردید، به جای این که همدیگر را شماتت کنید، همدیگر را تواصی به صبر کنید، بگویید: اشکال ندارد، پیروز می شویم، ان شاء الله. انسان حق مدار اگر صبور نباشد، همین حق مداری اش خراب اش می کند. چون خیلی اوقات شخص نمی تواند حق را ایجاد کند باید صبور باشی، باید تقیه کنی. امام صادق علیه السلام می فرمایند: تکبر چیزی نیست جز انکار حق، قبول نکردن حق. کسی که در مقابل حق تسلیم نیست، کسی که در مقابل حق سر نمی اندازد، کسی که لجبازی می کند، کسی که تنبلی می کند، کسی که خودش را به ناگاهی و بی خیالی می زند، ریشه ی اخلاقی اش تکبر و خودمحموری است. این فرد تکبر دارد، شاید در ظاهر هم اصلا این گونه نشان ندهد، اما امام صادق علیه السلام بعنوان یک انسان شناس واقعی می گوید: انسانی که حق را قبول نکند، متکبر است.

## صحنه ای از قیامت که مربوط به جهادی هاست

امیرالمومنین در خطبه ۷۲ نهج البلاغه می فرمایند: جهاد دری از درهای بهشت است که خدا آن را برای دوستان ویژه ی خویش گشوده است و آن، پوشش تقوا و زره محکم خدا و سپر مطمئن او است. پس هر که آن را از روی بی اعتنائی ترک کند، پروردگار جامه ی ذلت بر او بپوشاند، و گرفتار بلا شود، و بر سر او خوری و زبونی فرو بارد، و نور خرد از دل او رخت کشد، و با بی اعتنائی به جهاد، حق از او روی گردان شود، و خوری به او روی آورد، و کسی به فریاد او نرسد. امیرالمومنین عایه السلام می فرماید: دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان خاص خودش باز می کند. آیا تاکنون در صف های گوناگون بوده اید؟ برای این که سختی حسابرسی قیامت را درک کنید، باید به صحیفه ی سجاده ی مراجعه کنیم و مناجات های امیرالمومنین را بخوانیم ببینیم آن ها چگونه از این صف می رسیدند. واقعا باید ترسید

صف بهشت هم خیلی صف طولانی است، آن قدر از ما بهشتی تر هست که جلوتر از ما باشند. تازه ما مردم آخرالزمانیم! تنها یک راه وجود دارد تا به ما کمک کند در صفی قرار بگیریم که سریع تر از معمول وارد بهشت می شوند، صفی که به «باب الجهاد» منتهی می شود؛ صف جهادی ها! روایت داریم در روز قیامت، هر کسی که به ملاقات خدا می رود، اگر نشانی از جهاد نداشته باشد، آن لحظه «احساس خجالت» می کند، احساس نقص در خودش می کند.

همه ی ما به ملاقات خدا خواهیم رفت، برای بعضی ها لحظه ی ترسناکی است و برای بعضی ها لحظه ی زیبایی. برای کسانی که با جلالیت خدا مواجه می شوند، لحظه ی ترسناکی است و برای کسانی که با جمالیات خدا مواجه می شوند، لحظه ی زیبایی است.

خداوند متعال این درب را «لخاصة اولیائیه» قرار داده؛ پس مشخص است خیلی هم شلوغ نیست. ما باید کاری کنیم که در کنار شهید چمران ها و باکری ها و علی هاشمی ها و در صف امام راحل قرار بگیریم و در صف امثال عمار، سلمان فارسی و زهریرن قین باشیم. به درگاه خداوند متعال استغاثه بکنیم که خدایا این در را به روی ما باز کن. اگر خدا توفیق جهاد را به تو داد و عاقبت به خیر هم از این دنیا رفتی بدان در آن دنیا ان شاء الله در صف جهادی ها قرار می گیری.